



مباهله و جریان آن چیست؟

بیست و چهارم ذی الحجه روز مباهله نام گرفته است. در این روز که روز نزول آیه «تطهیر» نیز هست، خداوند بر ارزش‌ها و فضیلت‌های اهل بیت (ع) و جایگاه راستین آنان در درک و شناخت اسلام راستین مهر تأییدی دیگر زد.

بیست و چهارم ذی الحجه روز مباهله نام گرفته است. در این روز که روز نزول آیه «تطهیر» نیز هست، خداوند بر ارزش‌ها و فضیلت‌های اهل بیت (ع) و جایگاه راستین آنان در درک و شناخت اسلام راستین مهر تأییدی دیگر زد. روایات فراوانی در منابع معروف و دست اول اهل سنت و منابع اهل بیت (علیهم السلام) آمده است، که با صراحت می‌گوید: آیه مباهله درباره علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شده است.

به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، مباهله در اصل از ماده بَهَلَ (بر وزن اَهْل) به معنی رها کردن است. به همین جهت هنگامی که حیوان را به حال خود واگذارند و پستان آن را برای جلوگیری از نوشیدن نوزادش در کیسه قرار ندهند به آن حیوان باهل می‌گویند و از این رو ابتهال در دعا به معنی تضرع و واگذاری کار به خدا است.

و گاه این واژه را به معنی هلاکت و لعن و دوری از خدا معنی کرده‌اند آن نیز به خاطر رها کردن و واگذار نمودن بنده به حال خویش و خروج از سایه لطف خداست، اما از نظر مفهوم متداول که در آیه به آن اشاره شده، مباهله به معنی نفرین کردن دو نفر به همدیگر است. به این ترتیب که وقتی استدلال‌ات منطقی سودی نداشت، افرادی که با هم درباره یک مسأله مهم دینی گفت‌وگو دارند در یک جا جمع می‌شوند و به درگاه خدا تضرع می‌کنند و از او می‌خواهند که دروغگو را رسوا سازد و مجازات کند، همان کاری که پیامبر اسلام (ص) در برابر مسیحیان نجران کرد، که در آیه 61 سوره آل عمران به آن اشاره شده است.

در این آیه می‌خوانیم: (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ)

«هر گاه بعد از علم و دانشی که به تو رسیده، (باز) کسانی درباره مسیح با تو به ستیز برخیزند، بگو: "بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما نیز فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما نیز زنان خود را، ما از نفوس خود (و کسی که همچون جان ما است) دعوت کنیم، شما نیز از نفوس خود، آنگاه مباهله (و نفرین) کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم"».

این آیه به ضمیمه آیاتی که قبل و بعد از آن نازل شده، نشان می‌دهد که در برابر پافشاری مسیحیان در عقاید باطل خود، از جمله ادعای الوهیت حضرت مسیح (علیه السلام) و عدم کارایی منطق و استدلال در برابر لجابت آنها، پیامبر (ص) مأمور می‌شود که از طریق مباهله وارد شود، و صدق گفتار خود را از این طریق خاص و روحانی به ثبوت برساند، یعنی با آنها مباهله کند تا راستگو از دروغگو شناخته شود!

تفسیر آیه

«هر گاه (مسیحیان) بعد از علم و دانشی که به تو رسیده (درباره نفی الوهیت مسیح (علیه السلام) و تثلیث و انحرافات از این قبیل) با تو به بحث و ستیز برخیزند، به آنها بگو: "ما فرزندان خود را دعوت کنیم شما نیز فرزندان خود را (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتَكُمْ)، ما زنان خویش را دعوت نماییم و شما نیز زنان خود را، (و نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ)، ما از نفوس خود (و کسی که همچون جان ما است) دعوت می‌نماییم و شما نیز نفوس خود (و أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ)».

آنگاه مباهله (نفرین) کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم: (ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ).

بدون تردید از نظر تاریخی این مسئله واقع شد. یعنی پیامبر (صلی الله علیه وآله) گروهی را انتخاب کرد و همراه خود برای مباهله آورد.

در روایات اسلامی که مفسران و محدثان نقل کرده‌اند آمده است «هنگامی که آیه فوق نازل شد پیامبر (ص) به مسیحیان نجران پیشنهاد مباهله داد، بزرگان مسیحی از پیامبر (ص) یک روز مهلت خواستند، تا در این باره به شور بنشینند. اسقف اعظم) به آنها گفت: "نگاه کنید، اگر فردا محمد با فرزند و خانواده‌اش برای مباهله آمد از مباهله با او بپرهیزید، و اگر اصحاب و یارانش را همراه آورد با او مباهله کنید که او پایه و اساسی ندارد".

فردا که شد که پیامبر (ص) آمد، در حالی که دست علی (ع) را گرفته بود و حسن و حسین (علیهم السلام) پیش روی او حرکت می‌کردند، و فاطمه (علیها السلام) پشت سر او. مسیحیان و در پیشاپیش آنان اسقف اعظم آنان بیرون آمدند. هنگامی که پیامبر (ص) را با همراهان مشاهده کرد، پرسید: اینها چه کسانی هستند؟" گفتند: "این یکی، پسر عمو و داماد او است، و این دختر زاده‌های او هستند، و این بانو، دختر او است که از همه نزد او گرمی‌تر است." اسقف نگاهی کرد و گفت: "من مردی را می‌بینم که مصمم و با جرأت در مباهله آمده و می‌ترسم او راستگو باشد، و اگر راستگو باشد بلای عظیمی بر ما وارد خواهد شد." سپس گفت: "ای ابوالقاسم (محمد (ص)) ما با تو مباهله نخواهیم کرد، بیا با هم صلح کنیم!"

و در بعضی از روایات آمده که اسقف اعظم گفت: «من صورت‌هایی را می‌نگرم که اگر از خدا بخواهند کوه را از جا برکنند چنین

خواهد شد! پس مباحله نکنید که هلاک خواهید شد!

همین مضمون با تفاوت‌هایی که به اصل قضیه ضرر نمی‌زند، در بسیاری از تفاسیر دیگر نیز آمده است، مانند تفسیر فخر رازی (جلد 8، صفحه 10) و قرطبی (جلد 2، صفحه 1346) و روح البیان (جلد 2، صفحه 44) و روح المعانی (جلد 3، صفحه 188) و بحر المحيط (جلد 2، صفحه 472) تفسیر بیضاوی (ذیل آیه مورد بحث) و تفاسیر دیگر.

منبع:

پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم‌شیرازی